



## نمادهای بصری با مفاهیم جامعه‌شناختی در داستان‌های بیژن نجدی و شاهنامه فردوسی

ثمر میری  <sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران، Samar.mir@yahoo.com

### چکیده

جامعه‌شناسی علم بررسی نظام‌های اجتماعی است که مبتنی بر کنش‌های متقابل، رفتارها و نقش‌های اجتماعی است. ادبیات هر دوره، نماینده روحیات و فرازونشیب‌های اجتماعی آن دوره بوده و همراه با تحولات اجتماعی در زمان‌های مختلف تغییر می‌یابد و در هر عصر معنی و مفهوم خاص خود را پیدا می‌کند؛ به طوری که اوضاع اجتماعی هر دوره را می‌توان از ادبیات آن دوره شناخت و انعکاس آن را دریافت. بیژن نجدی از جمله شاعران و نویسندگانی است که رویدادها و واقعیات اجتماعی عصر خود را در مجموعه داستانی خود منعکس نموده و به آن رنگ و بوی جامعه عصر خویش را داده است. با توجه به اهمیت سیاسی و فرهنگی کشور و ضرورت روشن شدن اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بررسی جامعه‌شناختی مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» می‌تواند روشنگر وقایع و رویدادهای مهم آن دوره باشد. در مقاله حاضر که به شیوه توصیفی و تحلیلی نگاشته شده؛ پس از طرح مباحثی در مورد جامعه‌شناسی و ادبیات به بررسی مضامین جامعه‌شناسی در پنج حوزه خانواده، فرهنگ، مذهب، سیاست و اقتصاد پرداخته شده است. مسائل اجتماعی تا حد زیادی در این مجموعه داستانی بازتاب داشته است. هر کدام از این نهادهای مطرح شده به گونه‌ای هنری بیان‌کننده واقعیات و رویدادهای جامعه عصر نویسنده می‌باشد. بیژن نجدی یکی از نویسندگان بزرگ معاصر است که به خوبی توانسته مجموعه داستانی خود را در یک ژانر اجتماعی بگنجانند و جامعه داستانی خود را به جامعه واقعی نزدیک کند.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی واقعیات و مسائل اجتماعی در آثار داستانی بیژن نجدی.
۲. بررسی نمادهای بصری و واقعیات اجتماعی در شاهنامه فردوسی.

### سؤالات پژوهش:

۱. بازتاب عناصر جامعه‌شناختی در مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» تا چه حدی است؟
۲. نمادهای بصری و واقعیات اجتماعی چه جایگاهی در شاهنامه فردوسی چه جایگاهی دارند؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۳

دوره ۲۱

صفحه ۶۹۹ الی ۷۱۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

### کلمات کلیدی

بیژن نجدی،  
مجموعه داستانی،  
یوزپلنگانی که با من دویده‌اند،  
جامعه‌شناسی.

### ارجاع به این مقاله

میری، ثمر. (۱۴۰۳). نماد های بصری با مفاهیم جامعه شناختی در داستان های بیژن نجدی و شاهنامه فردوسی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۱(۵۳)، ۶۹۹-۷۱۴.



[dori.net/dor/20.1001.1.\\*  
\\*\\*\\*\\*\\* \\*\\*\\*/](https://doi.org/10.22034/IAS.2022.305960.1730)



[dx.doi.org/10.22034/IAS  
.2022.305960.1730](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.305960.1730)

## مقدمه

جامعه‌شناسی ادبیات در واقع پلی است بین جامعه‌شناسی و ادبیات. موضوع این آثار ادبی، از یک دیدگاه زاینده تحولات سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی هستند و شاعران و نویسندگان با تعهدی اجتماعی دست به قلم می‌برند و اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار خود را در آثار ادبی خویش منعکس می‌کنند. ادبیات انعکاس اندیشه و عواطف شاعر یا نویسنده از وقایع پیرامون اوست. آفرینشگر ادبی حوادث و رویدادها را لمس می‌کند و به کمک ذوق هنری خود آن را به تصویر می‌کشد. این امر بیانگر ارتباط تنگاتنگ و دوسویه ادبیات و جامعه است. بازتاب مسائل جامعه‌شناختی در آثار ادبی سبب بوجود آمدن علمی به نام جامعه‌شناسی ادبیات شده است. علم، رابطه ادبیات است با جامعه؛ یعنی به صورت تحولات تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی در ادبیات» (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۴۰). در تعریفی دیگر، جامعه‌شناسی ادبیات عبارت است از: «توجیه مطالب و حوادث اجتماعی مندرج در کتب نظم و نثر زبان فارسی، آن هم به صورت مختصر و بیان نقطه‌نظرهای نویسندگان و شاعران در مورد مسائل اجتماعی روزگار خود» (سلیم، ۱۳۷۷: ۱۳). در واقع از مزیت‌های ادبیات این است که ویژگی‌های هر عصری را به دقت ثبت می‌کند و نمودار بلیغ‌ترین راه و رسم‌هاست (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۱۱).

بیژن نجدی از شاعران و نویسندگان بزرگ معاصر است که مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» او محصول اجتماع است و تأثیر اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن قابل مشاهده است. نویسنده به خوبی توانسته اثر داستانی خود را در یک ژانر اجتماعی بگنجانند و جامعه داستانی خود را به جامعه واقعی نزدیک کند. وی با زبانی هنری و شاعرانه مسائل و مشکلات جامعه را به تصویر کشانده است. انعکاس جامعه در آثار ادبی و تأثیرگذاری آن بر روی ادبیات از جمله مسائل اساسی است که در مباحث جامعه‌شناسی و ادبیات مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبق بررسی‌های به عمل آمده در زمینه جامعه‌شناختی مجموعه داستانی یوزپلنگانی که با من دویده‌اند هیچ پژوهش مستقل مشاهده نگردید. از جمله پژوهش‌هایی که بر روی آثار بیژن نجدی صورت گرفته عبارت‌اند از: امینی (۱۳۹۰)، در پایان‌نامه خود با عنوان «مقایسه و بررسی محورهای زبان و اندیشه در آثار منیرو روانی‌پور و بیژن نجدی» به بررسی ذهن و زبان و اندیشه نویسنده پرداخته است. سمیعی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه خود با عنوان «هنجارگریزی در آثار داستانی بیژن نجدی» به بررسی اصطلاحات و ترکیبات جدید و مفاهیم مهم سبک‌شناختی که شاعر از آن عدول کرده پرداخته است. محمودی و پسانین (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان مؤلفه‌های پست‌مدرن مجموعه داستانی یوزپلنگانی که با من دویده‌اند ویژگی‌های پست‌مدرن در این کتاب را مورد بررسی قرار داده است.

هدف از مقاله حاضر بررسی واقعیات و مسائل اجتماعی انعکاس یافته در مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» می‌باشد و در آن سعی می‌شود به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: بازتاب عناصر جامعه‌شناختی در مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» تا چه حدی است؟ مهم‌ترین نهاد مطرح شده در این مجموعه داستانی کدام است؟ جامعه انعکاس یافته در این مجموعه داستانی به جامعه واقعی نزدیک‌تر است یا جامعه تخیلی؟ مجموعه داستانی

«یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» از دید جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار نگفته است، لذا انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد. روش انجام پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. بدین صورت که نخست به مطالعه و یادداشت‌برداری از کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه جامعه‌شناسی نوشته شده در چارچوب نظری پژوهش پرداخته می‌شود. سپس با مطالعه مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» مضامین اجتماعی گوناگون در این مجموعه داستانی استخراج می‌گردد و پس از تجزیه و تحلیل مضامین استخراج شده نتیجه پژوهش ارائه می‌شود.

## ۱. جامعه‌شناسی و ادبیات

میان ادبیات و جامعه رابطه متقابل وجود دارد. خالق اثر ادبی به دلیل این که در فضای اجتماعی عصر خود زندگی می‌کند اندیشه و ضمیر او ناخواسته از محیط پیرامونش تأثیر می‌پذیرد و انعکاس این تأثیر در آثار او بازتاب می‌نماید. ساختار ادبی آثار شاعر و نویسنده، مشابه ساختار اصلی و واقعی اجتماعی است (کهنمویی‌پور، ۱۳۸۹: ۷۰). «اجتماعیات در ادبیات توجیه دیدگاه‌های ادبا درباره اوضاع حاکم بر جامعه و گفتار و رفتار و ارزش‌ها، تعلیم و تربیت، هنجارها و ناهنجاری‌های فرهنگی، شیوه زندگانی، آداب و رسوم و باورها، تأثیر حمله بیگانگان بر زبان و فرهنگ، خوراک و پوشاک، نهادهای اجتماعی، وضعیت ادیان و علوم و بسیاری موارد دیگر را برعهده دارد» (فطوره‌چی، ۱۳۸۴: ۱۳). ادبیات هم متأثر از اجتماع است و هم بر آن تأثیرگذار؛ زیرا هنر غیر از بازسازی حیات، بدان شکل تازه‌ای می‌بخشد. محیط ادبی نمی‌تواند از تأثیر محیط اجتماعی مبرا بماند. افکار، ذوق‌ها و اندیشه‌ها تابع شرایط و اوضاع اجتماعی است. «آثار ادبی همواره محصول شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌باشد و در هر دوره فلسفه و شیوه‌ای خاص آن را متأثر می‌کند» (ستوده، ۱۳۷۸: ۶۹). آثار ادبی انعکاس‌دهنده محیطی هستند که این آثار در آن جا خلق شده‌اند و نویسنده هر اندازه بیشتر متعهد باشد، این محیط را بهتر و ژرف‌تر به تصویر می‌کشد. پس این گونه نیست که تنها جامعه بر اثر یک نویسنده یا شاعر تأثیر بگذارد بلکه این تأثیرگذاری دو طرفه است. «هر اثر ادبی، اگر از یک سو، به فردی تأثیر می‌گذارد؛ از سوی دیگر، با گروه‌های افرادی که تحت تأثیر قرار می‌دهد ارتباط دارد» (کارلونی، ۱۳۸۶: ۵۱).

## ۲. بررسی جامعه‌شناسی مجموعه داستان یوزپلنگانی که با من دویده‌اند

بیژن نجدی از نویسندگان بزرگ و نامی است که مسائل اجتماعی در مجموعه داستانی او از پنج بعد؛ خانواده، فرهنگ، مذهب، سیاست و اقتصاد مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. هر کدام از این نهادها دربردارنده واقعیات و کاستی‌های تلخی از شرایط موجود در جامعه آن دوران است. و مسائل جامعه‌شناسی تا حد زیادی در اثر داستانی او انعکاس یافته است. نجدی بسیار حاذقانه جامعه واقعی روزگارش را در قالب داستان به زبان هنری به تصویر کشیده است.

## ۲.۱. حوزه خانواده

خانواده نخستین سنگ بنای جامعه و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که در زندگی جمعی انسان شکل گرفته است. «واژه خانواده علاوه بر افراد، به روابط بین آنان نیز اشاره دارد و می‌تواند تا آنجا وسعت یابد که سلسله‌ای خویشاوندان را دربرگیرد که هم‌خانه نیستند، اما دارای میراث آبا و اجدادی مشترکی هستند» (سگالین، ۱۳۷۵: ۱۸). پارسونز به اتفاق دیگر محققان نهاد خانواده را زیرمجموعه نهاد سیاسی قرار داده‌اند (وود، ۱۳۶۶: ۱۶). این نهاد نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای بر جامعه دارد و این‌که برخی آن را بخشی از نظام سیاسی یا نظام اجتماعی می‌دانند و به آن عنوان نظام خویشاوندی می‌دهند (گرت و میلز، ۱۳۸۰: ۶۲). از لحاظ ابعاد خانواده به دو نوع هسته‌ای و گسترده تقسیم می‌شود. خانواده گسترده، خانواده‌ای است که از یک پدربزرگ و مادربزرگ و یک یا چند نفر از فرزندان ازدواج کرده و نکرده آنان، عروس‌ها، نوه‌ها و خویشاوندان وابسته به خانواده تشکیل می‌شود. به گفته فرید خانواده گسترده براساس پدرسالاری اداره می‌شود، شامل چند گروه زناشویی است که از طریق ازدواج اعضای خانواده و پیوندهای سببی بوجود می‌آید (فرید، ۱۳۸۸: ۱۷۲). خانواده هسته‌ای، خانواده‌ای مرکب از یک زن و مرد با تعدادی فرزندان مجرد است (تقوی، ۱۳۷۴: ۴۰). همچنین خانواده از لحاظ دوام به دو قسمت خانواده بادوام و ناقص تقسیم شده است. خانواده ناقص؛ خانواده‌ای است که به علل و عوامل گوناگون، یکی از اعضای خود، پدر یا مادر را از دست دهد (فرید، ۱۳۸۸: ۱۷۸). یا این‌که اعضای خانواده وظایف خود را به دلیل طلاق و جدایی، امراض روحی و روانی یکی از اعضای خانواده و یا طلاق روانی زوجین به درستی انجام ندهند (محمودیان، ۱۳۸۳: ۸۱).

در داستان «سپرده به زمین»؛ خانواده از نوع هسته‌ای است. در این داستان خانواده متشکل از یک زن و شوهر است، اما فرزندی ندارند. رابطه بین این زن و مرد بسیار صمیمی و دوستانه است. این امر دلیلی بر محکم‌بودن بنیان خانواده‌شان می‌باشد. ملیحه زنی شکیبیا و صبور که جوانی خود را با غم نداشتن فرزند در کنار همسرش طاهر که به دلایلی صاحب فرزند نمی‌شده، به پیری رسانده است. نجدی در این داستان، سلامت خانواده و رابطه خوب زن و مرد را نشان می‌دهد که با وجود مشکل نداشتن فرزند، باز هم عاشقانه در کنار هم زیسته و اسباب ناراحتی همدیگر را فراهم نکرده‌اند اما آن‌چه که فضای زندگی این زوج را پر از درد می‌کند، غم نداشتن فرزند است. ملیحه در حسرت داشتن یک کودک پیر شده است. مادرشدن برای این زن آن‌قدر حیاتی است که از همسرش درخواست می‌کند تا کودک مرده‌ای را به نام خود ثبت کنند. بنابراین جامعه‌ای که کودکان آن مرده هستند و در آن امیدی برای بچه‌دارشدن نیست، نمی‌تواند وضعیت خوبی داشته باشد. در داستان «شب سهراب‌کشان» نوع خانواده از نوع هسته‌ای است. این خانواده از پدر، مادر و یک فرزند بیمار تشکیل شده است. از لحاظ دوام این خانواده ناقص است؛ زیرا فرزند خانواده بیمار است و پدر نیز وظیفه خود را در قبال آن کودک درست انجام نمی‌دهد. این مرد به علت بی‌حوصلگی یا جهل یا هر دو توجه لازم را به مرتضی تنها فرزندش نمی‌کند. بی‌توجهی او زمینه‌ساز یک فاجعه بزرگ می‌شود. لازم است این مرد به فرزندش اجازه‌ی ابراز نظر و بروز احساسات را بدهد، اما به دلیل بی‌حوصلگی، خستگی یا هر دلیل دیگری مرتضی را از سر خود وامی‌کند. بروز ناهنجاری‌های اجتماعی در رفتار کودکان و نوجوانان را می‌توان نتیجه‌ی بی‌توجهی

پدران نسبت به آن‌ها دانست. نجدی این مسئله را در کتاب خود منعکس نموده که چنین رفتاری از جانب والدین سبب فاجعه می‌شود. نجدی، پدر مرتضی را به‌عنوان الگویی از پدرانی که در جامعه عصر خود نویسنده حضور دارند، آورده است و این که هر روز هزاران مرتضی بدلیل بی‌توجهی خانواده‌شان قربانی می‌شوند. عدم احساس مسئولیت پدر مرتضی سبب فاجعه بزرگی می‌شود که سرانجام به مرگ مرتضی منجر می‌شود. مادر مرتضی یک زن روستایی مقید به زندگی، دلسوز و مهربان است که دارای عاطفه و عشق و علاقه وافر نسبت به فرزندش می‌باشد. پارسونز نقش زنان را در جامعه عصر حاضر ضروری شمرده و بر این باور است که زنان نقش عاطفی در خانواده ایفا می‌کنند (وود، ۱۳۶۶: ۱۳).

در داستان «سه‌شنبه خیس»؛ خانواده به آن معنا مطرح نیست و از نوع ناقص است. پدر خانواده سیاوش ریحانی سال‌ها پیش در زندان اوین به شهادت رسیده، سال‌ها بعدتر مادر خانواده فوت می‌کند. ملیحه تنها فرزند خانواده گاهی با پدر بزرگ و بیشتر مواقع تنها زندگی می‌کند. در این داستان نویسنده پیامدهای فقدان پدر یا مادر و از هم گسیختگی بنیان خانواده را نشان می‌دهد. خانواده در داستان «گیاهی در قرنطینه» از نوع هسته‌ای است. رابطه پدر و مادر بسیار صمیمی و دوستانه است. این امر صداقت و یکدلی این زن و مرد روستایی را می‌رساند. اما از لحاظ دوام، این خانواده ناقص است؛ زیرا پدر و مادر همیشه دغدغه فرزند بیمارشان را دارند و بیماری فرزندشان آرام و قرار را از این زوج روستایی ربوده است. مادر خانواده دارای ویژگی بارز تمام مادران که عشق و دلسوزی نسبت به فرزند می‌باشد، هست. پدر خانواده، میرآقا برای درمان طاهر دست به هر کاری می‌زند تا شاید فرزندش بهبود یابد. در داستان «چشم‌های دکمه‌ای من» در همان آغاز داستان به نابودی اعضای خانواده‌ها در بمباران نظامی اشاره می‌شود و این که چگونه جنگ باعث نابودی خانواده‌ها می‌گردد.

خانواده در مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» از پایه و اساس سست و متزلزل است و از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. عواملی که سبب تجزیه خانواده در این مجموعه داستانی شده، می‌توان جنگ، بیماری، مرگ یا غیبت یکی از اعضای خانواده دانست که سبب شده دیگر افراد خانواده وظایف خود را درست انجام ندهند.

## ۲.۲. حوزه فرهنگ

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جامعه‌شناسی مفهوم فرهنگ است. فرهنگ شامل همه فعالیت‌های انسانی می‌شود و سیمای واقعی زندگی همه انسان‌هاست، زیرا توسط بشر به‌وجود آمده است. فرهنگ رابطه تنگاتنگی با جامعه دارد. «فرهنگ از مفاهیم رایج جامعه‌شناسی است» (گیدنز و بردسال، ۱۳۹۰: ۳۸). و «ما را به احوال و افکار و ذوق و روحیات آن مردم آشنا می‌سازد و در لابه‌لای فرهنگ مردم می‌توان به بسیاری از نکات دقیق ادبی و اخلاقی و دقیق اوضاع زمان و طرز عادات و رسوم و تخیلات و نوع اندیشه‌های آن پی برد» (گرانپایه، ۱۳۷۷: ۱۷۸). مفاهیم فرهنگی بعد از حوزه سیاست به میزان چشم‌گیری در مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» به کار رفته است. در این مجموعه داستانی فرهنگ از دو لحاظ مادی و معنوی قابل بررسی است.

**فرهنگ مادی:** فرهنگ مادی دربرگیرنده نوع خوراک، پوشش، کالاها و ابزار تولید شده، توسط بشر می‌باشد. «فرهنگ مادی یا تمدن، مواردی چون نوع پوشش، مسکن و ابزار و وسایل خلق شده توسط مردم آن جامعه را دربرمی‌گیرد» (فرجاد، ۱۳۷۶: ۴۷). نجدی در مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» به انعکاس مسائل فرهنگ مادی موجود در جامعه که شامل: سازه‌ها، تکنولوژی، ابزارهای تولید شده و وسایل نقلیه مورد استفاده‌ی انسان‌ها می‌شود، پرداخته است. «چراغ‌های کامپیوتر غول‌آسایی هم که تمام دیوار زیر زمین را تا سقف پوشانده بود مثل چشم‌های بسیار گریسته، سرخ بود» (نجدی، ۱۳۹۵: ۵۱).

**فرهنگ معنوی یا غیرمادی:** فرهنگ معنوی به موضوع‌ها و مواردی اطلاق می‌شود که با موازین کمی قابل اندازه‌گیری نیست و به آسانی نمی‌توان در مقام مقایسه، ارزیابی نمود. «آداب و رسوم، سنت‌ها، اخلاقیات، معتقدات، باورها، آموزش و پرورش و به‌طور کلی سرمایه معنوی یک جامعه جزء فرهنگ معنوی آن جامعه به‌شمار می‌رود» (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۸۶: ۱۲۳). نجدی سرمایه‌های معنوی یک جامعه را که شامل ارزش‌ها، ضدارزش‌ها، آداب و رسوم، معتقدات، باورها، آثار ادبی و هنری، فولکلوریک و عمدتاً آن‌چه به‌وسیله زبان و خط فراگرفته می‌شود، در مجموعه داستانی خود منعکس نموده است.

**ارزش‌ها:** یکی از مهم‌ترین عناصر نظام فرهنگ در هر جامعه ارزش‌ها می‌باشند که خوبی و بدی را بیان می‌کنند و ملاک قضاوت‌های ارزشی اعضای جامعه هستند. «که مطلوبیت دارند و مورد خواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه است. هر امر مادی یا معنوی که در جامعه دارای قدر و قیمت باشد و نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده کند و یا هر چیز گرانبها و سودمند، از جمله ارزش‌های اجتماعی هستند» (قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱). در داستان «سپرده به زمین» ملیحه زنی فداکار و دلسوز است. هنگامی که کودک بی‌پناه را می‌یابد که مرده و کسی هم به‌عنوان سرپرست کودک پیدا نمی‌شود، احساس محبت به کودک مرده پیدا می‌کند و از طاهر همسرش می‌خواهد که آن کودک را به‌عنوان فرزند مرده‌ی خود دفن کنند. «ملیحه گفت: دفنش می‌کنیم، خودمون دفنش می‌کنیم. بعد شاید بتونیم دوستش داشته باشیم» (نجدی، ۱۳۹۵: ۱۰). در داستان «استخری پر از کابوس مرتضی» هنگامی که جان قوی‌ای را که به طرف استخر پر از گازوئیل می‌رود، در خطر می‌بیند به جهت احساس محبت و دوست‌داشتنی که در او نسبت به حیوانات وجود دارد، واکنش نشان می‌دهد و سعی می‌کند مانع رفتن قو به سمت استخر گردد. «مرتضی گفت: من دستهایم را به طرف قو تکان دادم داد زدم نیا جلو، ترو خدا نیا جلو» (نجدی، ۱۳۹۵: ۱۹).

**ضدارزش‌ها:** «مفاهیمی چون دورویی، ریاکاری، نان به نرخ روز خوردن، خوش ظاهر و بد باطن بودن و ... ضد ارزش می‌باشند» (ستوده، ۱۳۷۸: ۲۸). در داستان «خاطرات پاره‌پاره دیروز تیمور» در ابتدا با جنگلی‌ها همکاری می‌کرد اما هنگامی که شکست جنگلی‌ها را دید تغییر رویه داد و یکپارچه رضاشاهی شد. او فردی خائن و ریاکار بود. «مگر روزی که خبر آوردند تیمور یک شانه عقب‌تر از رضاشاه در صفحه اول روزنامه از طاق نصرت خیابان سپه می‌گذرد» (نجدی، ۱۳۹۵: ۶۱).

**فرهنگ عامه:** یکی از ویژگی‌ها فرهنگی هر جامعه که جزء ذات جامعه محسوب می‌شود، فرهنگ عامه یا فولکلور است که محدود به ادبیات شفاهی نیست بلکه یک سری از آداب و رسوم و معتقداتی که عامه مردم بر آن باورند را دربرمی‌گیرد. «فولکلور یا فرهنگ عامیانه در حقیقت مجموعه‌ای است درآمیخته از آداب و رسوم و آیین‌ها و باورها و شیوه زندگی با همه ابعادش که از بدو تولد تا مرگ، انسان را همراهی می‌کند، مسلم است که با چنین کلیتی، ریشه نه تنها در تاریخ، بلکه حتی در اسطوره‌ها و مذاهب کهن و زندگی پیشینیان دارد» (همایونی، ۱۳۸۲: ۹).

**طب عامیانه:** مادر طاهر طبق سنت‌های قدیمی و کهنه که از پدران و مادران خود فراگرفته بود به محض دیدن دانه‌های سرخ بر روی بدن طاهر سعی در درمان طاهر به شیوه سنتی می‌کند. «مادر طاهر بعد از دیدن دانه‌های سرخ، که هرکدام به اندازه ارزن تمام صورت پسرش را پوشانده بود، در صندوقخانه رختخواب پهن کرد. تمام پرده‌ها را با پارچه‌های سرخ عوض کرد. نباید می‌گذاشت آدم‌های نجس طاهر را ببینند....» (نجدی، ۱۳۹۵: ۸۰). پدر و مادر طاهر هنگامی که ناامید از علم پزشکی می‌شوند، برای درمان طاهر به نزد قادری رمال مراجعه می‌کنند. در ضمن قادری رمال موفق به درمان طاهر می‌شود. بیماری طاهر را با همان سبک و شیوه جادوی خود درمان می‌کند.

**اشاره به سبک و سنت شاهنامه‌خوانی:** نجدی به رسم و سنت شاهنامه‌خوانی توسط نقال یا دوره‌گرد در مجموعه داستانی خود اشاره نموده است. مردم در قهوه‌خانه یا مکانی دیگر گرد می‌آمدند و یک نفر برای آن‌ها شاهنامه‌خوانی می‌کرده و قصه‌های شاهنامه را برایشان بازگو می‌نموده است. «سید گفت: اسب سهراب یکی از نوه‌های رخس بود، همینکه آن یلان به هم درآمیختند اسب‌هاشان به مهر گردن به هم مالیدند و یال به آشنایی برهم ریختند» (نجدی، ۱۳۹۵: ۳۸).

**دیگر آداب و رسوم:** از دیگر آداب و رسومی که نجدی به آن اشاره نموده، رسم از زیر قرآن رد کردن مسافر است. برای این که قرآن یار و نگهدار او باشد و ریختن آب پشت سر مسافر؛ این امر موجب احساس صمیمیت بیشتر و افزایش همبستگی اجتماعی می‌شود و با این عمل، بدرقه‌کنندگان اطمینان حاصل می‌کنند که مسافرشان برمی‌گردد. «ما نه فرصت پیدا کردیم که گریه کنیم و نه کسی به صرافت افتاد که برای میرآقا قرآن بگیرد و یا پشت درشکه کاسه‌ای آب بریزد» (نجدی، ۱۳۹۵: ۶۶). از دیگر آداب و رسوم قدیمی که نجدی در مجموعه داستانی خود استفاده نموده، رسم ریختن سکه بر روی میّت است که یک کار عامیانه در میان مردم است و جنبه شرعی و دینی ندارد و مردم براساس خرافات و اعتقاد خود این رسم را باب کرده‌اند. «او خودش را دید که با قفلی در کف دست، بر سنگفرش میدانچه دهکده‌اش افتاده است و مردم روی او سکه می‌ریزند» (نجدی، ۱۳۹۵: ۸۵). دیگر آداب و رسومی که در مجموعه داستان «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند»، به کار رفته به دلیل اطالۀ کلام از ذکر آن‌ها خودداری می‌گردد. بیژن نجدی نظر ویژه‌ای به فرهنگ و مسائل جامعه‌شناسی در مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند»، داشته است. انعکاس مظاهر مختلف فرهنگ مادی و معنوی در این مجموعه داستانی، نشانگر شناخت آگاهانه و ارتباط عمیق نویسنده با بطن اجتماع است. او تصویر واضح و روشنی از فرهنگ رایج در روزگار خود ارائه داده است.

### ۲.۳. حوزه مذهب

مذهب جزئی از فرهنگ است. هرچه پایبندی مردم یک جامعه به اصول دین و مذهب و اعتقاد آن‌ها به مسائل دینی بیشتر باشد سایر نهادهای جامعه روند توسعه و پیشرفت را در پیش می‌گیرند. «دورکیم مذهب یا دین را قدیمی‌ترین نهاد توسعه‌یافته اجتماعی و پایه سایر نهادهای جامعه» می‌داند (اشلی و اورنشتین، ۱۳۸۳: ۱۴۲) و «پارسونز مهم‌ترین کارکرد این نهاد را کارکرد یکپارچه‌سازی جامعه» می‌داند (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۳۸). میزان مفاهیم مذهبی بسیار کم‌تر از مفاهیم فرهنگی در مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» به کار رفته است. از مهم‌ترین آداب و مناسک اسلامی، نماز است. نجدی، این امر مهم در دین یا مذهب را در مجموعه داستانی خود منعکس نموده است. «فردوس گفت: آقا رفتن نماز» (نجدی، ۱۳۹۵: ۶۲). دیگر آداب و مناسکی که نجدی در مجموعه داستانی خود به کار برده، کاربرد واژه‌هایی چون: وضو، اذان، مسجد، صلوات، خواندن نام خداوند، سجده، آیه، گفتن یا ابوالفضل است. کاربرد این مفاهیم نشان‌دهنده برخورداری این اثر داستانی از صبغه و رویکرد مذهبی است. هرچند مسائل دینی و مذهبی در این مجموعه داستانی زیاد به کار نرفته اما فضای داستان و شخصیت‌های آن به گونه‌ای است که پایبندی آن‌ها را به دین و مذهب نشان می‌دهد.

### ۲.۴. حوزه سیاست

سیاست، حساس‌ترین حوزه فعالیت انسان در جامعه است و سخت‌تأثیر فرهنگ، اندیشه مردم، منافع و نظریات گروهی و شخصی و عوامل اقتصادی هر جامعه قرار دارد و خود نیز بر آن تأثیر می‌گذارد. سیاست «مبارزه برای قدرت است. مهم‌ترین تعریف سیاست در میان متفکرین غرب این است که آن را مبارزه برای قدرت و نفوذ و اعمال آن در جامعه می‌دانند» (عالم، ۱۳۷۳: ۳۰۰). نجدی از جمله نویسندگانی است که به مسائل سیاسی در آثار خود توجه بسیار داشته و انعکاس مسائل سیاسی در مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» به خوبی جلوه‌گر است. این عناصر در داستان‌های او به صورت اشاره به اشخاص سیاسی، مشاغل سیاسی، مکان‌های سیاسی و یا حوادث مهم سیاسی که در دوره‌هایی خاص به کار می‌رفته، به تصویر کشیده شده است.

داستان «استخری پر از کابوس» یک داستان کاملاً سیاسی است که نویسنده به بیان احوال مرتضی که در دههٔ چهل و پنجاه در زندان سیاسی به سر می‌برده و بعد از بیست سال اسارت از زندان آزاد شده، پرداخته است. مرتضی به محض آزادی مجدداً به جرم کشتن یک قو دستگیر و راهی شهربانی می‌شود. «بعد از بیست سال، مرتضی در همان اولین روزی که دوباره وارد زادگاهش شد به جرم کشتن یک قو (او را دیده بودند که قوی مرده‌ای را از پاها گرفته؛ گردن بلند قو آویزان بود، نوک قو روی سفیدی برف خط می‌انداخت) بازداشت شد» (نجدی، ۱۳۹۵: ۱۳). از مهم‌ترین مسائل سیاسی که در این داستان به آن اشاره شده، منطقه نفت‌خیز خلیج فارس است. خلیج فارس علاوه بر داشتن موقعیت استراتژیکی خاص به لحاظ داشتن ذخایر نفتی از اهمیت ویژه‌ای در معادلات جهانی برخوردار است. از نشانه‌های اهمیت این منطقه و ذخایر نفتی آن، چالش‌های کشورهای صنعتی برای تسلط بر این منطقه بوده است که توجه بسیاری از



سیاستمداران را به خود جلب نموده است. «ستوان هم پرنده‌ای را به یاد آورد که در اخبار تلویزیون، خودش را بعد از ترکیدن چاه‌های نفت خلیج فارس از لجن بیرون کشیده بود و با سینه روی ماسه راه می‌رفت و ستوان نمی‌توانست اسمش را بیاد آورد» (نجدی، ۱۳۹۵: ۱۸). از دیگر مسائل مهم سیاسی که در این داستان به آن اشاره شده، اوضاع نابسامان مملکت بعد از انقلاب است. اوضاعی پر از اضطراب که مردم را سردرگم و آشفته نموده است، به گونه‌ای که تکلیفشان با خودشان روشن نیست. «ستوان گفت: این روزها نمی‌شود فهمید که مردم چه می‌گویند. چه می‌خواهند» (نجدی، ۱۳۹۵: ۱۷).

فضای داستان «چشم‌های دکمه‌ای من» کاملاً سیاسی است. نویسنده در این داستان به مسئله جنگ و پیامدهای آن پرداخته است. «ادبیات داستانی جنگ ادبیاتی است که جنگ را با تمام تلخی‌ها و شیرینی‌هایش به مخاطب نشان می‌دهد» (حنیف، ۱۳۸۶: ۱۲). نجدی در این داستان از زبان یک عروسک پارچه‌ای به بیان مسائل جنگ پرداخته است. آن چه از این داستان استنباط می‌شود، این است که بیماران در منطقه جنوب ایران چه خرابی‌ها و مشکلاتی را برای مردم به بار آورده است که به علت ویرانی خانه‌ها و خرابی شهرشان مجبور به ترک خانه و کاشانه‌شان یا به اصطلاح مهاجرت به سرزمین دیگر شده‌اند. «تا غروب آن روز خبری از فاطمی نشد. روزهای بعد هم که مردم از شهر می‌رفتند کسی را ندیدم که از کنارم بگذرد و بوی دهان او را روی من بریزد. همین که شهر خالی شد من بی‌آنکه چشم‌هایم را باز کنم یا ببندم زدم زیر گریه» (نجدی، ۱۳۹۵: ۴۸۰). داستان «خاطرات پاره‌پاره دیروز» کاملاً سیاسی است. نجدی از جمله شاعران و نویسندگان شمالی است که مسائل اجتماعی، فرهنگی و به خصوص سیاسی حوزه شمال در آثار او به خوبی جلوه‌گر شده است. درحقیقت، یکی از ابعاد مهم زندگی او بعد سیاسی است (امینی، ۱۳۹۰: ۱۴۶). «از طرف دیگر ارتباط ایران با شوروی و تأثیر آن بر بازار اقتصادی شمال به دلیل فضای خاص جغرافیایی این منطقه، حوزه شمال را آستان حوادث سیاسی سرنوشت‌سازی کرده است که از دید نویسندگان این خطه پنهان نمانده است» (امینی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

نجدی مهم‌ترین مضامین سیاسی را در این داستان گنجانده است. یکی از موضوعات مهمی که نجدی به آن پرداخته، قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی است. نجدی از آن جا که خود گیلانی بود و از نزدیک شاهد وقایع و قیام جنگلی‌ها بود و از علاقه مردم به جنگلی‌ها باخبر بود به این قیام در داستان خود اشاره نموده است. «در دومین سال جنگ جهانی اول وقایعی در گیلان رخ داد که به نهضت جنگل یا انقلاب گیلان معروف گشت. قائد این نهضت مردی بود به نام میرزا کوچک بود» (فخرایی، ۱۳۶۶: ۳). در آن زمان مشروطه به بیراهه رفته بود و کشور در تب و تاب مشکلات داخلی از یک سو و نفوذ و دخالت خارجی از سوی دیگر می‌سوخت. این امر سبب شد جوانی تقریباً گمنام در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور، به نام میرزا کوچک‌خان جنگلی از سرزمین گیلان به پاخیزد. او یک انقلابی واقعی و معتقد به مبارزه علیه استبداد و استعمار بود (فخرایی، ۱۳۵۳: ۱۰۳). نجدی در این داستان به بیان شکست جنگلی‌ها و دیگر اتفاقاتی که برای طرفداران میرزا کوچک‌خان می‌افتد، می‌پردازد. از جمله مهم‌ترین مسائل که نجدی به آن اشاره می‌کند، چگونگی مرگ میرزا کوچک‌خان است. «هیچ‌کدام از ما نمی‌دانستیم که باید روی یکی از کوه‌ها (اسمش چی بود؟) یادم

نیست) صورت میرزا روی برف بیفتند و سرما باید از پوستین و جلیقه میرزا گذشته، به سینه‌اش برسد و از لای استخوان کتف او بیرون بیاید» (نجدی، ۱۳۹۵: ۶۲). شکست جنگلی‌ها سبب شد که فردوس به طرف حزب توده کشیده شود. حزب توده از نخستین جریان‌های مهم سیاسی کشور که متأثر از مارکسیسم و سوسیالیسم بود. این ایدئولوژی فضای فکری سیاسی ایران را به شدت تحت‌تأثیر قرار داد (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). این حزب طرفداران زیادی داشت که حتی فردوس هم در این حزب ثبت‌نام کرد. حزب توده بعد از تبعید رضاشاه و آزادی زندانیان سیاسی (مهر ۱۳۲۰) ظهور کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۲۵۳).

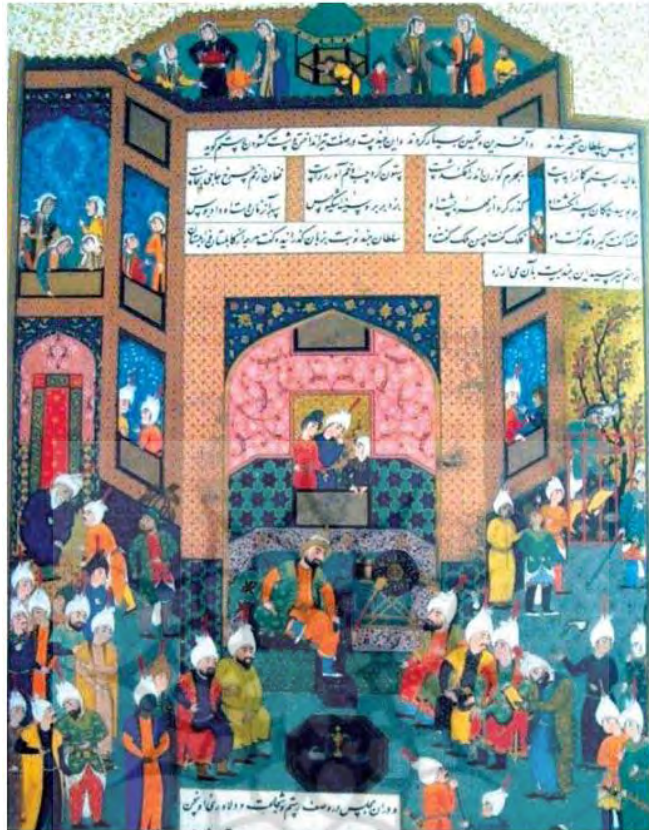
### ۲.۵. حوزه اقتصاد

نهاد اقتصادی از نهادهای اصلی هر جامعه محسوب می‌شود که با اوضاع احوال معیشتی مردم آن جامعه مرتبط است. پیشه‌ها و مشاغل بخشی از نظام اقتصادی هر جامعه را شکل می‌دهند «نقش‌هایی است که بی‌واسطه به تولید و به توزیع کالاها مربوط می‌شوند، خواه این نقش‌ها در درون سازمان دیوان‌سالاری ایفا شوند، خواه به‌صورت منفرد و جداگانه چون مشاغل آزاد یا ماهی‌گیری که مالک قایق ماهی‌گیری‌اش است» (روشه، ۱۳۷۶: ۱۴۲). پیدایش مشاغل در هر جامعه، معلول شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی است (پارسانسب و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۱). نجدی در این مجموعه داستانی به اقتصاد مردم گیلان که بر پایه کشاورزی، شالی‌کاری و پرورش زیتون است، اشاره می‌نماید. شالی‌کاری مهم‌ترین منبع اقتصادی مردم گیلان است. مزارع برنج در سراسر گیلان قابل‌مشاهده است. «دو ماه پیش کبودی غده سینه‌اش را وسط مزرعه برنج به پدرش نشان داده بود» (نجدی، ۱۳۹۵: ۳۶). باغات زیتون از اصلی‌ترین منابع اقتصادی مردمان شمال کشور است که نجدی به این منبع اقتصادی مردم اشاره کرده است. «همین که قوزک استخوانی انگشتانش را دید، به یاد آورد که چقدر زالو در باغ‌های زیتون به همین پاها چسبیده و او چقدر نمک روی آن‌ها ریخته بود تا زالو بیفتند» (نجدی، ۱۳۹۵: ۷۹). از دیگر مشاغل سنتی، کشت و پرورش چای است، که بیژن نجدی به باغ‌های چای مردم اشاره کرده است. «فنجان از روی میز بلند شد و باغ‌های چای اطلاق را دور زد» (نجدی، ۱۳۹۵: ۱۷).

### ۳. نمادهای بصری و اجتماعی در شاهنامه فردوسی

شاهنامه فردوسی اثری است که برای پاسداشت هویت تاریخی ایران سروده شده است و فردوسی چون بنیان‌های معرفتی جامعه عصر خویش را در خطر می‌دید، با رویکردی متعهدانه داستان‌های شاهنامه را با پیام‌های دینی، اجتماعی و سیاسی همراه می‌ساخت و در پوسته زیرین داستان‌ها، بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی زمان خود را برملا می‌کرد. فردوسی در زمانی سرودن شاهنامه را در پیش گرفته بود که شاهان سامانی سیاست نژادی را در پیش گرفته بودند و درصدد بازبانی فرهنگ و هویت ایرانی بودند. اما با روی کار آمدن غزنویان و تندروی‌های سیاسی و دینی سلطان محمود، زمینه برای رکود فرهنگی فراهم شد و شاهنامه واکنشی به نیت جلوگیری از گسست تاریخ و تمدن

ایرانی و تبعیض‌ها و بیدادگری‌های اجتماعی و سیاسی شد (شادی‌گو، ۱۴۰۱: ۴۲۳۵). تصویر شماره ۱ دیدار فردوسی و محمود غزنوی را منعکس ساخته است. در این اثر از نمادهای بصری چون رنگ، نقوش به خوبی بهره جسته است.



تصویر ۱. طبع آزمایی فردوسی در برابر محمود. شاهنامه طهماسبی. ۹۲۸ ه.ق. کتابخانه موزه هنر متروپولین

شاهنامه صرف‌نظر از برتری‌ها و مزایای شعری و جنبه‌های کلامی و بلاغی، گنجینه‌ای است گرانبها از آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی، تاریخی. همچنین سند یاست معتبر برای شناخت فرهنگ و تمدن ایران باستان و گزارشگری است موثق از آداب و رسوم و سنن ایرانیان، که شناخت و دستیابی به بعضی از آن‌ها جز از طریق مطالعه شاهنامه مقدور و ممکن نیست. آداب زناشویی و تشکیل خانواده نیز از جمله آدابی است که حکیم طوس به مناسبت‌های گوناگون در لابه‌لای داستان‌های شاهنامه به آن‌ها اشاراتی دارد (تیموری فورگ، ۱۴۰۱). شاهنامه فردوسی از برجسته‌ترین آثار ادب فارسی است که طی قرن‌ها تاریخ هنر ایران، همواره مرجع خلق آثار تصویری قرار گرفته است. نگارگری ایرانی نیز از غنی‌ترین منابع بصری نشانه‌شناختی است که در بافت فرهنگی-اجتماعی خاص زمانه خود آفریده شده و گاه از طریق برخی تمهیدات ساختاری و بیانی، میان شخصیت‌های حماسی و اسطوره‌ای شاهنامه و حامیان هنرمند نگارگر-قدرت‌تازان زمانه-هم‌ارزسازی‌هایی را نیز به نمایش گذارده است. تصویر شماره ۲ از شاهنامه فردوسی مضامین سیاسی را منعکس ساخته است.



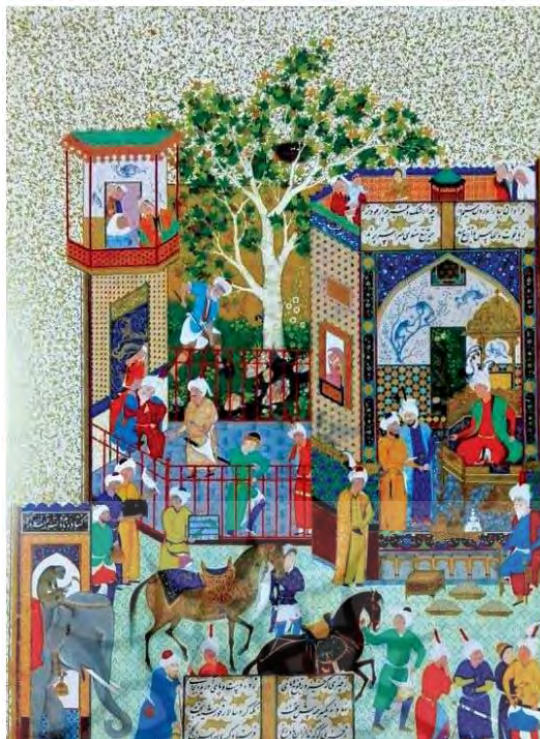
تصویر ۲. منوچهر تور بر سر نیزه بلند می‌کند. شاهنامه طهماسبی. ۹۲۸ ه.ق. مأخذ: موزه متروپولین

تصویر شماره ۳ نیز به مضامین اجتماعی با محوریت خانواده و در عین حال برخورد‌های سیاسی پرداخته است.



تصویر ۳. سیاوش و افراسیاب در شکارگاه. شاهنامه طهماسبی. ۹۲۸ ه.ق. مأخذ: موزه متروپولین

تصویر شماره ۴ به روابط فرهنگی و سیاسی ایران و گروکانیان هند پرداخته است.



تصویر ۴. طهماسب سفیران هندو را می پذیرد. شاهنامه طهماسبی. ۹۲۸ه.ق. مأخذ: موزه متروپولین

### نتیجه گیری

یکی از مهم‌ترین اهداف جامعه‌شناسی ادبیات، نگرش به واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی از خلال متون ادبی است. اثر ادبی زاینده ذهن و احساس هنرمند شاعر یا نویسنده‌ای است که خود نیز برخاسته از متن و پرورده‌ی آغوش جامعه است، بنابراین باید آن را محصول نهایی جامعه خواند. شخصیت هنرمند به مثابه میانجی واقعیت و اثر هنری است. در این پژوهش به بررسی مضامین جامعه‌شناسی در پنج بُعد: خانواده، فرهنگ، مذهب، سیاست و اقتصاد پرداخته شده است. مسائل اجتماعی تا حد زیادی در این مجموعه داستانی بازتاب داشته است. هر کدام از این نهادها مطرح شده به گونه‌ای هنری بیان‌کننده واقعیات و رویدادهای جامعه عصر نویسنده بوده است. بیژن نجدی یکی از نویسندگان بزرگ معاصر است که به خوبی توانسته مجموعه داستانی خود را در یک ژانر اجتماعی بگنجانند و جامعه داستانی خود را به جامعه واقعی نزدیک کند. او از نزدیک شاهد بسیاری از مشکلات اجتماع که مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کردند، بوده است. هر کدام از نهادها مطرح شده از قبیل خانواده، فرهنگ، مذهب، سیاست و اقتصاد بیان‌کننده واقعیات و رویدادهای جامعه عصر نویسنده هست. و نجدی آن‌ها را بسیار زیبا و هنری در مجموعه داستانی خود منعکس نموده است.

نهاد سیاست حضور پررنگ و قوی‌تری در سیاق داستان‌هایش داشته است. مفاهیمی چون جنگ، زندان، قیام میرزا کوچک‌خان، ترس و ناامنی سیاسی، حزب توده، مکان‌ها و مشاغل سیاسی از زیرمجموعه‌های سیاست هستند که در این مجموعه داستانی به کار رفته است. عناصر فرهنگی در مرتبه دوم؛ بعد از نهاد سیاست به میزان چشم‌گیری در مجموعه «داستانی یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» جلوه‌گر شده است و نویسنده به زبان شاعرانه، بسیاری از عناصر فرهنگی رایج در عصر خویش را که شامل فرهنگ مادی و معنوی می‌شوند، در کتابش گنجانده است. مؤلفه‌های فرهنگ مادی که دربرگیرنده سازه‌ها، ابزارها و وسایل نقیله است، در این مجموعه داستانی به کار رفته است. عناصر فرهنگ معنوی و زیرمجموعه‌های آن که شامل: ارزش‌ها و ضدارزش‌ها، ابزار انتقال فرهنگ، فرهنگ عامه و دیگر آداب‌ورسومی که بین مردم رایج است، بازتاب آن در مجموعه داستانی «یوزپلنگانی که با من دویده‌اند» قابل مشاهده است. در حوزه خانواده به خانواده‌های ناقص اشاره داشته است. باید یادآور شد که عامل پیشرفت یک جامعه، خانواده‌های سالم و موفق هستند، وقتی وضعیت خانواده‌ها این‌گونه سست و متزلزل است نمی‌توان انتظار تمدن و فرهنگ غنی را داشت. در زمینه اقتصاد به مشاغل سنتی مثل شالی‌کاری، پرورش زیتون و چای‌کاری و به مکان‌های کسب درآمد مثل قهوه‌خانه، مسافرخانه و نانواپی اشاره شده است. نویسنده مسائل و مشکلات جامعه را با زبانی شاعرانه و به بهترین شکل به تصویر کشیده است. بنابراین با توجه به بررسی جامعه‌شناختی اثر او می‌توان آن را الگوی واقعی و روشنی از جامعه محروم و ستمدیده عصر نویسنده دانست. مطالعه و واکاوی نمادهای بصری مضامین اجتماعی در شاهنامه فردوسی نیز حاکی از اهمیت و جایگاه ویژه این مفاهیم در این اثر ادبی می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مآخذ:

## کتاب‌ها

- آبراهامیان، پروند. (۱۳۷۸). تاریخ ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی. مترجمان کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- اشلی، دیوید؛ اورنشتین، دیوید مایکل. (۱۳۸۳). نظریه جامعه‌شناسی (اصول و مبانی کلاسیک). ترجمه: علی‌اکبر میرمهدی‌حسینی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی خانواده. چاپ نخست، تهران: دانشگاه تهران.
- حنیف، محمد. (۱۳۸۶). جنگ از سه دیدگاه. تهران: صریر.
- روشه، گی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز. ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- ریترز، جورج. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: علمی.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی. با همکاری مظفرالدین شهبازی، تهران: آوای نور.
- سگالین، مارتین. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه: حمید الیاسی، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- سلیم، غلامرضا. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی ادبیات یا اجتماعیات در ادب فارسی. تهران: توس.
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. چاپ اول، تهران: نی.
- فخرائی، ابراهیم. (۱۳۵۳). گیلان در جنبش مشروطیت. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ..... (۱۳۶۶). سردار جنگل. بی‌جا: سازمان انتشارات جاویدان.
- فربد، محمدصادق. (۱۳۸۸). درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی. چاپ دوم، تهران: پشتون.
- فرجاد، محمدحسین. (۱۳۷۶). اصول و مبانی جامعه‌شناسی. تهران: اساطیر.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۳). درباره ادبیات و نقد ادبی. جلد ۱، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- فطوره‌چی، مینو. (۱۳۸۴). سیمای جامعه در آثار سنائی. تهران: امیرکبیر.
- فوزی، یحیی. (۱۳۸۴). تحولات سیاسی، اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی. تهران: نشر عروج.
- قلی‌زاده، آذر. (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی. اصفهان: معاونت.
- کارلونی، فیلو. (۱۳۸۶). نقد ادبی. ترجمه: نوشین پزشک، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کهنمویی‌پور، ژاله. (۱۳۸۹). نقد جامعه‌شناختی و لوسی‌ین گولدمن (از نقد جامعه‌شناختی تا زیبایی‌شناسی دریافت). تهران: علمی و فرهنگی.
- گرانپایه، بهروز. (۱۳۷۷). فرهنگ و جامعه. چاپ دوم، تهران: شریف.

گرت، هانس‌هاینریش؛ میلز، رایت. (۱۳۸۰). منش فرد و ساختار اجتماعی (روانشناسی نهادهای اجتماعی). ترجمه: اکبر افسری، تهران: آگاه.

گیدنز، آنتونی؛ بردسال، کارن. (۱۳۹۰). گزیده جامعه‌شناسی. ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نی. محمودیان، حسین. (۱۳۸۳). دانش خانواده. تهران: سمت.

نجدی، بیژن. (۱۳۹۵). یوزپلنگانی که با من دویده‌اند. چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر مرکز.

وثوقی، منصور؛ نیک‌خلق، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). مبانی جامعه‌شناسی. چاپ هفدهم، تهران: بهینه.

ولک، رنه؛ وارن، آوستن. (۱۳۷۳). نظریه ادبیات. ترجمه: ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.

وود، شرمین. (۱۳۶۶). دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی. ترجمه و تلخیص: مصطفی ازکیا، تهران: کیهان.

همایونی، صادق. (۱۳۸۲). شیوه‌های علمی در پژوهش فرهنگ عامیانه. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

#### مقالات

پارسانسب، محمد و دیگران. (۱۳۸۴). «نقد و بررسی کتاب نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده». کتاب ماه ادبیات، ش ۱۴۲، ۱۵-۲۷.

تیموری فورگ، سیما. (۱۴۰۱). «جایگاه خانواده در شاهنامه فردوسی». هشتمین کنفرانس بین‌المللی زبان، ادبیات، تاریخ و تمدن.

شادی‌گو، شهریار؛ دارابی، شکوفه؛ احمدی پوراناری، شکوفه و پروانه، فریبا. (۱۴۰۱). «بازتاب مسائل سیاسی و اجتماعی در شاهنامه». ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی، دوره ۵، شماره ۱۱، ۴۲۵-۴۳۵.

محمودی، علیرضا؛ پسانین، سوسن. (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های پست‌مدرن مجموعه داستانی یوزپلنگانی که با من دویده‌اند بیژن نجدی». فصلنامه جستارهای داستانی در ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، دوره جدید، شماره ۱، ص ۸-۷۵.

#### پایان‌نامه‌ها

امینی، عفت. (۱۳۹۰). «مقایسه و بررسی محورهای زبان و اندیشه در آثار منیرو روانی‌پور و بیژن نجدی». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهرکرد.

سمیعی، وحید. (۱۳۹۱). «هنجارگریزی در آثار داستانی بیژن نجدی». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی؛ پردیس آموزش‌های نیمه‌حضور، تهران.